فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال یازدهم، شماره چهل‌ودوم، تابستان ۱٤۰۰
مقاله پژوهشی، صفحات ٤٥-٦٦

# نقش زنان کاتب بغداد در توسعه علوم و فرهنگ اسلامی در عصر چهارم خلافت عباسی (٤٤٨-٦٥٦)

**علی اکبر عباسی**[۱]
**عباس فروغ آئین**[۲]
**اصغر فروغی ابری**[۳]
**مجتبی خلیفه**[٤]

**چکیده**

زنان کاتب در عصر عباسی در صحنه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشـارکت فعال داشتند. پژوهش حاضر با واکاوی زنان کاتب عراق و به ویژه بغـداد در عصـر چهـارم خلافت عباسی (۴۴۸-۶۵۶)، به دنبال پاسخ به ایـن سـؤال اسـت کـه آنهـا چـه نقشـی در تحولات فرهنگی و توسعه علوم و فرهنگ اسلامی داشتند؟ این پژوهش بـر اسـاس روش تحقیق تاریخی مبتنی‌بر روش توصیفی و تحلیلی انجام شده‌است. یافته‌های ایـن پـژوهش نشان می‌دهدکه زنان کاتب و خوشنویس در این دوره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. آنها در گسترش علوم و فرهنگ اسلامی به ویژه علوم دینی و نقلی مانند حدیث، وعظ، خطابه و فقه نقش بیشتری داشتند و بسیاری از علما و مشاهیر در محضر درس آنان حضور یافتنـد. زنان کاتب اجازه نقل حدیث را برای شاگردان صادر می‌کردند، بـه طـوری کـه تعـدادی از شاگردانشان بعدها در زمره مدرسان نظامیه بغداد درآمدند. برخی از زنان در هنر خوشنویسی استاد بودند و شاگردان مشهوری در این زمینه تربیت کردند. آنها به سبب خـط زیبایشـان، آمالی دانشمندان مختلف را برای دیگران مـی‌نوشـتند و چـه بسـا از ایـن راه امـرار معـاش می‌کردند. زنان کاتب و خوشنویس به دربار خلافت عباسی نیـز نفـوذ داشـتند و نامـه‌هـا و توقیعات آنها را می‌نوشتند. آنها خوشنویسی را به درباریان آموزش می‌دادند. تعدادی از زنان کاتب، دیوان شاعران بزرگ را می‌نوشتند و یا خود شـعر مـی‌سـرودند و از ایـن جهـت بـه گسترش شعر و ادب عربی کمک می‌کردند. اهمیت و تقدس *قرآن کریم*، زنان کاتب را بـه استنساخ، تذهیب و تفسیر *قرآن* در سطح وسیع تشویق کرد. برخی از زنان کاتب شیعه نیـز در این دوره در نشر و ترویج علوم شیعی نقش مؤثری داشتند.

**کلیدواژه‌ها:** بغداد، خلافت عباسی، خوشنویسی، زنان کاتب، علوم اسلامی.

---

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). aa.abbasi@ltr.ui.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان. abbas_forughi@yahoo.com
۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. a.foroughi@ltr.ui.ac.ir
٤. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند. mkhalifeh@birjand.ac.ir
تاریخ دریافت: ۰۰/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۸/۰۹

[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]
[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

# The role of Baghdad scribe women in developing Islamic sciences and culture in the fourth era of the Abbasid Caliphate (448-656 AH)

*Ali Akbar Abbasi*[1]
*Abbas Forough Ayin*[2]
*Asghar Foroughi Abri*[3]
*Mojtaba Khalifeh*[4]

## Abstract

Scribe women in the Abbasid era were active in various political, social, and cultural fields. Analyzing Iraq scribe women, specifically Baghdad, in the fourth era of the Abbasid caliphate (448-656 AH), the present study seeks to answer the question of what was their roles in cultural changes and the development of Islamic sciences and culture. This study has used a historical research method based on the descriptive-analytical method. Findings indicate that scribe and calligrapher women had a special position in this period. They played a greater role in the development of Islamic sciences and culture, especially religious and narrative science such as ḥadīth, preaching, sermon, and jurisprudence (Fiqh) and many scholars and celebrities attended their classes. Scribe women let students narrate ḥadīth so that some of them became part of the Baghdad military instructors later. Some women were experts in calligraphy and trained famous students in this field. Because of their beautiful handwriting, they wrote Amali of various scholars for others and earned a living in this way. Also, scribe and calligrapher women influenced the court of the Abbasid Caliphate and wrote letters and Tawqi‘ of them. They taught calligraphy to the courts. Some of the scribe women wrote Diwan of great poets or wrote poetry themselves and in this way helped the development of Arabic poetry and literature. The importance and sanctity of the Holy Qur'an encouraged scribe women to transcribe, illuminate and interpret the Qur'an on a large scale. Some Shīʿa scribe women also played an effective role in the publication and promotion of Shiite sciences during this period.

**Keywords:** Baghdad, The Abbasid Caliphate, Calligraphy, Scribe women, Islamic sciences.

1. Associate Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding author). aa.abbasi@ltr.ui.ac.ir
2. PhD student of Islamic History, University of Isfahan, Isfahan, Iran. abbas_forughi@yahoo.com
3. Associate Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran. a.foroughi@ltr.ui.ac.ir
4. Assistant professor, Department of History, University of Birjand, Birjand, Iran. mkhalifeh@birjand.ac.ir



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

## درآمد

در جهان اسلام نه تنها مردان بلکه زنان مسلمان نیز در رشته‌های مختلف علوم اسلامی پا به پای مردان حرکت کردند. مطالعات تاریخی نشان می‌دهدکه زنان هرگاه فرصت یافته‌اند همراه با مردان در صحنه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشارکت کرده و حتی در زمینه‌هایی مانند حدیث، روایت، وعظ و خطابه حضور بیشتری داشته‌اند. آنان از جمله در کتابت و خوشنویسی نیز در دوره چهارم عباسی خوش درخشیدند. زنان عصر عباسی جمعیت قابل توجه‌ای از جامعه بودند که در فعالیت‌های فرهنگی، حضورشان پررنگ است. در این دوره بیشتر علوم شرعی و نقلی مانند حدیث، روایت، وعظ، خطابه و قرائت رواج داشت؛ به همین سبب زنان کاتب بیشتر محدث و راوی بودند و مجالس درس و سماع داشتند و محدثان و فقیهان مشهوری را تربیت کردند. برخی از زنان کاتب جزو مشایخ حدیث بودند و اجازه نقل حدیث را برای شاگردان خود صادر می‌کردند. مستندنویسی و نوشتن اَمالی یکی دیگر از دستاورهای فرهنگی زنان کاتب درآن زمان بود. تعدادی از زنان در هنرخوشنویسی سرآمد بودند به گونه‌ای که دست خط آنها در بین خلفا، وزاء و حتی مردم عادی ارزشمند بود. زنان کاتب و خوشنویس با توجه به همین هنر زیبایشان، به دربار خلافت راه یافتند تا نامه‌ها، جواب‌ها و توقیعات خلفا و وزرا را بنویسند. آنها برای این کار هدایای خوبی نیز دریافت می‌کردند. دوتن از آن زنان خوشنویس از جمله فاطمه بنت اقرع و شُهده، ایرانی نژاد بودند. این دو شاگردانی نیز داشتند. گاهی زنان کاتب، دیوان شاعران بزرگ را می‌نوشتند و یا این که شعرهای خود را می‌نگاشتند. زنان خوشنویس به قرآن اهمیت ویژه‌ای می‌دادند و به حفظ، استنساخ و کتابت قرآن، تذهیب و تفسیر آن می‌پرداختند و در این زمینه کمک شایانی به نشر و گسترش علوم قرآنی کردند. فاطمه و شریفه دختران سیدبن طاوس از زنان دارای اجازه روایت و حدیث شیعه بودند که نقش بسیاری در گسترش علوم اسلامی شیعه به ویژه قرآن، حدیث، فقه و تفسیر داشتند. زنان کاتب از نظر سبک نگارش به طور کلی روش ابن بواب، فاطمه بنت اقرع یا یاقوت مستعصمی را پیروی می‌کردند. پژوهش حاضر با تکیه‌بر منابع مکتوب و دست اول مانند تواریخ عمومی و





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

محلی، وفیات، تراجم، فرهنگ نامه‌ها، معاجم، کتاب‌های اعلام، طبقات، انساب و مانند اینها جایگاه و نقش زنان را به عنوان کاتب و خوشنویس در توسعه علوم و فرهنگ اسلامی در دوره چهارم عباسی بررسی کرده است.

## پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش مستقلی در این موضوع انجام نشده‌است، اما پژوهش‌هایی به دو صورت مقاله و کتاب نزدیک به این موضوع نوشته شده‌است. از جمله محمدعباس ظیماء (۱۹۸٦/۱٤۰۷) مقاله «نساء خطاطات» را نگاشته که ابتدا نام چند نفر از زنان خطاط اوایل اسلام و سپس مغرب و اندلس و چند نفر از خطاطان معاصر تا قرن بیستم را به طور خلاصه آورده است. او به سه نفر از زنان خطاط بغداد نیز اشاره مختصری دارد. تحفه ابراهیم آوا (۱۳۷۸ش) مقاله کوتاه با عنوان «نخستین زن خوشنویس مسلمان ایرانی» دارد که درباره یکی از زنان کاتب این دوره یعنی فاطمه بنت اقرع است. فاطمه گنجی (۱۳۹۹ش) در جلد ۲۸ *دانشنامه جهان اسلام* ذیل مدخل «شهادت۲»، مقاله‌ای توصیفی و کوتاه درباره یکی دیگر از زنان کتاب این عصر با عنوان «شهده بنت ابی نصر» دارد. خیرالله سعید (۲۰۱۱) کتابی به نام *موسوعه الوراقه و الوراقین* داردکه شامل موضوعاتی مانندتوسعه صنعت کتابت در بغداد، ادوات کتابت، ظهور شغل وراقی، تعریف وراقت، بازار وراقان، کتابخانه‌های شام، فارس، مصر و مانند اینهاست. او در بخش پنجم کتاب به وراقان قاضی، ادیب و وراقان زن پرداخته است و در آن میان نام سه نفر از زنان وراق وکاتب ابتدای عصر عباسی را آورده که در محدوده پژوهش حاضر قرار نمی‌گیرد.

## نشر احادیث و فقه

در دوره مورد پژوهش بیشتر علوم شرعی و نقلی مانند حدیث، وعظ، قرآن، فقه، شعر و ادب رواج داشت. در آن دوره، سلجوقیان با تأسیس مدارس وکتابخانه‌های بسیار، علوم دینی و نقلی را بر سایر علوم ترجیح می‌دادند و آن را تشویق می‌کردند. بیشترین کتاب‌ها در همین زمینه‌ها نوشته شد و کمترین آنها در زمینه علوم عقلی مانند ریاضیات، طب، نجوم و به خصوص فلسفه بود (حلمی، ۱۹۵-۲۱۵،۲٤۵-۲٦۳).



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

بیشترین دانشمندان این عصر نیز در زمره قاریان، واعظان، محدثان و مفسران بودنـد. در واقع به نظر می‌رسد که همزمان با تضعیف علوم عقلی و توجه بـیش از حـد بـه علـوم نقلی، زنان نیز بیشتر در این علوم تحصیل کردند.

به نظر می‌رسد یکی دیگر از عوامل توجه مردم به علوم دینی و نقلـی در ایـن دوره، مسئله کسب روزی و تأمین معاش بود، زیرا آنان می‌توانستند با فراگیـری علـوم قرآنـی، فقهی و حدیثی به مقام قضاوت، وعظ، امامت، تدریس در مدارس و تقرب بـه حاکمـان برسند و مورد احترام و تحسین مردم واقع شوند. در حالی که شاغلان به علوم فلسـفی و عقلی در فقر و بدبختی به سر می بردند و علم و حکمتشان مایه بـدبختی و مصـیبت آنان بود (غنی، ٦٧٨). از سده پنج هجری به بعد دید مثبتی هم نسـبت بـه علـوم عقلـی وجود نداشت و بیشتر مجالس وعظ و خطابه مورد توجه بود. چنان که مجالس وعـظ و خطابه ابن جوزی موجب شهرت و نزدیکی او بـه خلفـا و وزرای عباسـی شـد. خلیفـه المستضی همواره حتی در هنگام بیمـاری در مجـالس وعـظ او شـرکت مـی‌کـرد (ابـن رجب،٤٠٧/١). او به عنوان بزرگترین واعظ حنبلی در مجلسش همواره بین ده تا پنجـاه هزار (ابن جوزی، ٢٣٦/١٧، ١٤١/١٨) و به روایتی صدهزار نفر حضور داشـتند (ذهبـی، *العبر*، ١١٩/٣؛ یافعی، ٣٧٠/٣).

شُهده الکاتبه یکی از زنان محدث و مقرب خلیفه مقتفی عباسی بـود (یـاقوت حمـوی، *معجم الادباء*، ١٤٢٣/٣) و در کتابت برجسته و مورد توجه دربار به شـمار مـی‌آمـد. زنـان کاتب در نقل و گسترش حدیث و راویت نقش به سزایی داشـتند و در ایـن زمینـه دارای مجالس درس و سماع بودند. نکته قابل توجه و مهم، تأثیر و نفوذ این زنان بـر دانشـمندان مرد است به گونه‌ای که بسیاری از علما و مشاهیر در محضر درس آنـان حضـور یافتـه و بهره علمی برده و نقل قول کرده‌اند و اجازه نقل حدیث گرفته‌اند. یکـی از مشـهورترین و بهترین کاتبان و خوشنویسـان آن دوره، ام الفضـل فاطمـه دختـر حسـن بـن علـی عطـار معروف به بنت أقرع (متوفای٤٨٠) بود. او یکی از شاگردان ابن بواب خطاط معروف بـود و از نظر سبک مانند استادش می‌نوشت و مردم خط او را نیکو می‌دانستند. فاطمـه غیـر از کتابت، در حدیث و روایت نیز نزد علما و مشایخ شـهرت داشـت (تتـوی، ٢٤٨٥/٤) و از





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

مشایخی مانند ابی عمر بن مهدی فارسی حدیث شنید و روایت کرد (ذهبی، *العبر*، ۳٤۲/۲؛ حنبلی، ۳٤۸/۵؛ یافعی، ۱۰۰/۳؛ ابن کثیر، ۱۳٤/۱۲). از فاطمه این حدیث را روایت کرده‌اندکه پیامبر ﷺ فرمود: هرکس در کاری سوگند یاد کند و سپس بهتر از آن را ببیند، باید آن کار را که بهتر است، انجام دهد و برای سوگندش کفاره بدهد (یاقوت حموی، *معجم الادباء*، ۲۱۵٦/۵). فاطمه بنت أقرع یکی از زنان برجسته در زمینه کتابت و خوشنویسی و نیز علم حدیث در بغداد سده پنجم هجری بود.

از اقدامات علمی و فرهنگی زنان کاتب، تربیت شاگردان در زمینه حدیث و روایت بود. چنان که افراد بسیاری مانند ابوالقاسم مکی بن عبدالله حافظ از فاطمه بنت اقرع حدیث شنیدند و برخی مانند اسماعیل بن احمد بن عمر سمرقندی، عبدالوهاب بن مبارک بن احمد در بغداد و احمدبن محمدبن احمد بن حسن در اصفهان از او روایت کرده‌اند. ابن بطحی جزء اول *امالی* محاملی را از ابن اقرع شنیده بود (ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۲۹۵/۳۲؛ یاقوت حموی، *معجم الادبا*، ۲۱۵٦/۵؛ ابن اثیر، *الکامل*، ۱٦۵/۱۰؛ کحاله، ٤۱/٤-٤۲). این نکته جایگاه آموزشی فاطمه را به‌ویژه در علم حدیث نشان می‌دهد.

شُهده بنت أحمد إبری یا شهدهٔ أم محمد بنت أبونصر (٤۸۲-۵۷٤) یکی دیگر از زنان خطاط و خوشنویس و متولد دینور ایران و متوفای بغداد است. پدربزرگش تاجر سوزن بود و لقب الإبری به معنای سوزنی یا سوزن فروش یا خیاط به او داده شده‌است (سمعانی، ۹٦/۱؛ ابن خلکان، ٤۷۸/۲). پدرش از مشاهیر بغداد و به علم حدیث علاقه‌مند بود و حدیث را از چند استاد آموخته بود. دخترش نیز تحصیل حدیث را از پدرش و مشهورترین استادان و مشایخ بغداد از جمله ابوبکر شاشی، ابن سراج، طراد زینبی و مانند اینها فرا گرفت و در این زمینه مشهور شد (ابن جوزی، ۲۵٤/۱۸؛ ابن اثیر، *الکامل*، ۱۱/ ٤۵٤؛ ابن خلکان، ٤۷۷/۲؛ سیوطی، ۵٤). شهده دانش خود را محدود به خط و کتابت نکرد، بلکه حدیث، روایت و فقه را از پدرش و مشایخ بزرگ فراگرفت (عمادالدین کاتب، ۲۸۳/۳). او مشیخه‌ای داشت در ذکر نام کسانی که دیده بود (ذهبی، *سیراعلام النبلاء*، ۵٤۲/۲۰). منابع تاریخی او را یکی از محدثین بزرگ و از راویان صادق می‌دانند (ابن فوطی، ۲٦۱/۱؛ فواز عاملی، ٤۲۲) که به سبب استناد عالی در



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

حدیث با نام‌های مُسنِده العراق یا مُنشده العراق مشهور است (ذهبی، *دول الاسلام*، ۸۱؛ یافعی، ۳۰۳/۳). او خانه بزرگ و مجلس درس سماع عالی داشت و کسی را که می‌خواست حدیث گوش دهد، طرد نمی‌کرد و با توجه به عمر طولانی‌اش، در مجالس او خردسالان به بزرگسالی می‌رسیدند. به نوشته ابن خلکان: «ألحقت فیه الاصاغر بالاکابر»، و از این بابت تأثیر زیادی بر مشایخ بعد از خود گذاشت (ابن خلکان، ٤٧٧/٢؛ و نیز ابن جوزی، ۱۰۳/۱۷؛ یاقوت حموی، *معجم الادبا*، ۱٤۲۳/۳-۱٤۲۲؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۱٤٦/٤۰-۱٤۷؛ ابن فرات، ۸۰/٤). شهرت شهده در کتابت و حدیث باعث شد که افراد زیادی از شهرهای مختلف اسلامی برای شاگردی نزد او به بغداد بیایند. او شاگردان زیادی داشت و غیر از منزل شخصی، در مسجد جامع بغداد نیز به تدریس و ذکر حدیث مشغول بود. در بغداد سده ششم هجری افراد مشهوری از او حدیث شنیدند و اجازه روایت گرفتند و بسیاری مانند ابن عساکر، ابن جوزی، أبوسعدسّمعانی، ابومحمد بن قدامه، ابو محمد عبد الغنی، عبد القادر رهاوی، عبد العزیز بن أخضر، عماد إبراهیم بن عبد الواحد، علی بن هبه الله، حافظ ضیاءالدین مقدسی، مارستانه بغدادی، شرف الدین دمیاطی در محضر او تربیت شدند (سبکی، ۳۰۲/۸؛ ابن الدبیثی، ۲۸٦/۱؛ غسانی، ۲۸۱/۲؛ ابن شاکر، ٤۰۹/۳، ٤۲۷؛ یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ۱۳۱/۳، ۱۲٦/٥؛کحاله، ۳۰۹/۳-۳۱۲). صوفیان نیز از جلسات حدیث شهده استفاده می‌کردند (ابن الدبیثی، ۲۸۹/۲، ۱۸۷/٤). دانشمندی مانند ابن قیم جوزی بارها با عبارت «قالت استاذنا شهده»، از او در تألیفات خود یاد کرده است. شهده علاوه بر حدیث و خط، شاخه‌های دیگر دانش آن زمان را نیز از استادانی معروف فرا گرفت. او تألیفاتی در علوم مختلف مانند حدیث، فقه و توحید داشت (فواز عاملی، ٤۲۲). نگاهی به شخصیت‌ها و علمای برجسته سده ششم هجری که محضر شهده را درک کرده‌اند، نشان دهنده جایگاه برجسته این زن عالم است. یکی از تأثیرات علمی و فرهنگی که شهده از خود بر جای گذاشت، رباطی بود که همسرش ثقه الدوله به نام او در بغداد ساخت و اموال قابل توجهی نیز برای آن وقف کرد. آن رباط به نام رباط الکاتبه شهده یا رباط الإبری مشهور بود. صوفیان و مشایخ زیادی در آن رباط زندگی می‌کردند و به





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

درس و بحث مشغول بودند (ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۹۲/٤٤، ۱۲۷/۵۲؛ ابن فوطی، ۳٤/۱؛ غسانی، ٦۳۸/۲؛ ابن الدبیثی، ۵۵۸/۳، ٤٤۲/۵؛ طباطبایی، ٤۷۱). ابن فوطی (۲۷/۱، ٦۷٦/۵) نیز هنگام ورود به بغداد در سال٦۸۱ در این رباط سکنا گزیده بود.

خدیجه بنت محمد معروف به شاهجانیه بغدادی (۳۷٦-٤٦۰) از زنان کاتب، محدث و واعظ بغداد بود که از ابن سمعون و ابن شاهین حدیث شنید (ابن جوزی، ۱۰۷/۱٦؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۱۵۲/۲۷؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ۵۰٦/۱٦). برخی از فقها و مورخان مانند ابن خطیب از او حدیث شنیدند و مکتوب کردند (ابن خطیب، ۱٤۹/۱٤؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ۲٤/۲۰؛ ابن اثیر، *اللباب*، ٤۸/۳؛ یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ۳۷۷/٤؛ ابن ماکولا، ۳۲۰/۳). از جمله دانشمندانی که از خدیجه حدیث شنیدند قاضی ابوبکرانصاری و ابوالبدر کرخی بودند (سبکی، ۱٤۹/۱).

برخی از زنان صوفی نیز کاتب بودند و در نشر و گسترش علوم اسلامی مانند حدیث نقش مؤثری داشتند. عائشه بنت محمد علی بغدادی (متوفای٦٤۱ ) زنی صالحه و فاضل بود که زنان را موعظه می‌کرد و از شیوخ بزرگ اجازه روایت داشت و در رباط پدرش سکنا داشت و زنان صالح زیادی نزد او جمع بودند. او برای پدرش احادیث را می‌خواند و آنها را با خط خود می‌نوشت (حنبلی، ۳٦٦/۷؛ ذهبی، *العبر*، ۲٤۰/۳؛ همو، *تاریخ الاسلام*، ۷۷/٤۷-۷۸؛ حسینی، ٦/۱).

با توجه به منابع ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که زنان کاتب از جمله فاطمه بنت اَقرع و شُهده در رشته‌های مختلف علوم جزو دانشمندان بزرگ روزگار خود بودند و در تربیت محدثان، راویان، فقیهان و مورخان سهم به سزایی داشتند. برای نمونه محدثان، فقیهان و مورخان مشهور و بزرگی مانند ابن عساکر، ابن جوزی، ابن قدامه و سمعانی از شُهده حدیث شنیدند تا جایی که او را مُسنِده العراق نامیدند (حنبلی، ٤۱۰/٦؛ ذهبی، *دول الاسلام*، ۸۱؛ یافعی، ۳۰۳/۳). با مراجعه به کتب تاریخی و حدیثی می‌توان دریافت که نام شهده در سلسه روایات آثار بسیاری آمده است (سخاوی، ۲۷۳؛ سبکی، ۳۰۲/۸؛ ذهبی، *العقدالثمین*، ۱۹۸؛ ابن حجر، ۷۳، ۸۷، ۱۱۵، ۱٤۱؛ ابن ابی اصیبعه، ۲۱۸/٤). منابع مختلف شهده را به خاطر تقوا و پارسایی، نیکوکاری، آثار



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

خوشنویسی و دانش گسترده در زمینه حدیث ستایش کرده‌اند (ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۱٤٦/٤٠–۱٤۷؛ ابن‌مستوفی، ۱۲۱/۲، ٤۳۷؛ ابن الدبیثی، ٤٤۲/٥؛ زرکلی، ۱۷۸/۳).

## صدور مجوز و نوشتن امالی

اعطای سِمَت علمیِ اجازه به فراگیران از دیگر نقش‌های فرهنگی زنان کاتب بود. اجازه به معنای اِذن و رخصت و روا دانستن است که از دیرباز در بین دانشمندان علوم مختلف مرسوم بود. استادان به منظور بزرگداشت از مقام علمی شاگردان و به نشانه شایستگی‌هایی که در آنان وجود داشته برایشان «اجازه» صادر می‌کردند. در حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی چون فقه، حدیث و طب تبادل اجازه بین استادان و شاگردان مرسوم بوده‌است. شاگردان نزد مشایخ، احادیث و یا تألیفات خود را می‌خواندند و اجازه روایت و نشر می‌گرفتند. برخی از زنان کاتب نیز جزو مشایخ حدیث بودند و اجازه نقل حدیث را برای شاگردان صادر می‌کردند. چنان که شُهده به افراد زیادی از جمله ابن الاسکاف، بهاالدین ابواسحاق ابراهیم و محمدبن الفرج (جبه) اجازه روایت داده بود (ابن عدیم، ۱۹۳۱/٤؛ ابن ماکولا، ۳۲۹/۲؛ جندی، ۲۰۹/۲). برخی از این راویان بعدها مدرس نظامیه بغداد شدند (ابن ماکولا، ۲٥٥/۲). برخی نیز از استاد خود، اجازه خواندن کتاب‌های علما را می‌گرفتند. ابن خشاب دانشمند مشهور،کتاب *معانی القرآن* زجاج را نزد شهده خواند (ابن فضل الله عمری، ۱۳٥/۹). شهده به جزء کتاب‌های حدیثی در سایر علوم اسلامی هم تبحر داشت و از کتاب *المعانی* زجاج و *اموال* ابی عبید روایت کرده است (ذهبی، *المختصر*، ۲٦۳/۳؛ ابن الدبیثی، ۱٤۲/٥). ست الرضا بنت نصرالله معروف به کاتبه، جزو راویان نیز بود و ابن نجار دیده که برای گروهی در ذی‌الحجه سال ٥٦۷، مجوزی به خط او برای تمام روایاتش نوشته بود (صفدی، ۱۱۸/۱٥؛ کحاله، ۱٥٤/۲).

مستندنویسی و نوشتن اَمالی یکی دیگر از دستاورهای فرهنگی زنان کاتب درآن زمان بود. آنان به جهت خط زیبایشان، امالی دانشمندان مختلف را برای دیگران می‌نوشتند و چه بسا از این راه امرار معاش می‌کردند. خدیجه شاهجانیه از زنان خوشنویس بود که بخش‌هایی از *امالی* ابن سمعون را برای مردم می‌نوشت و روایت





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

می‌کرد. فقیه احمدبن حسن بن البنا، *امالی* ابن سمعون را از او شنید (حنبلی، ۲۵٦/۵؛ صفدی، ۲۹٦/۱۳؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ٤۸۳/۳۰؛ ذهبی، *العبر*، ۳۱۱/۲؛ کحاله، ۳٤۳/۱). منابع او را زنی راستگو، زاهد و صالح می‌دانند. او در سال ٤٦۰ در جوار ابن سمعون واعظ به خاک سپرده شد (ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ٤۸۳/۳۰؛ ابن جوزی، ۱۰۷/۱٦؛ ابن تغری، ۸۲/۵؛ خطیب بغدادی، ٤٤۷/۱٤).

## ترویج خوشنویسی

برخی از زنان در هنرخوشنویسی سرآمد بودند به طوری که دست خط آنها در بین خلفا، وزراء و حتی مردم عادی ارزشمند بود. از جمله این افراد فاطمه بنت أقرع بود که در سریع و صحیح نوشتن از بهترینِ مردمان زمان خود بود (ابن اثیر، *الکامل*، ۱٦۳/۱۰؛ خطیب عمری، ۳۷۲). هیچ کس مثل او خط نسخ را به زیبایی نمی‌نوشت (تتوی، ۲٤۸۵/٤؛ اعتمادالسلطنه،۳٤۲/۱). با توجه به همین خط زیبایش، مأمور نوشتن آتش بس از طرف خلیفه القائم بامرالله به امپراطوری روم شد و نامه او ضرب المثل گشت (ابن جوزی، ۲۷۲/۱٦-۲۷۳؛ ابن فوطی، ۲٤۵/۲؛ زرکلی، ۱۳۰/۵). طبق یافته‌های تاریخی، بعد از نوشتن پیمان‌نامه متارکه جنگ، در تشکیلات اداری خلیفه و میان خوشنویسان و اهل علم و ادب، اعتبار و ارزش زیادی یافت. جالب این که حتی مردم عادی هم او را می‌شناختند و از روی خط او می‌نوشتند و به خاطر زیبایی خطش، او را بسیار دوست داشتند. برخی افراد به داشتن نمونه‌هایی از خط او افتخار می‌کردند. یاقوت حموی در کتاب *معجم الادباء* (۲۱۵٤/۵-۲۱۵٦) نسخه‌ای از خط او را در دو صفحه آورده است. فاطمه بنت اقرع مقام مهمی در هنر و فرهنگ اسلامی دارد؛ زیرا در تاریخ فرهنگ و هنراسلامی نخستین زن خوشنویس ایرانی است که نامش در تاریخ ثبت شده‌است. در آن دوره زنان دانشمند وخوشنویس پا به پای مردان، برای توسعه علوم اسلامی و انتقال هنر و زیباشناسی به نسل‌های بعد تلاش کرده‌اند و در این زمینه نقش مهمی داشته‌اند؛ زیرا که برخی از مردان و زنان مانند شُهده الکاتبه در خوشنویسی از فاطمه بنت أقرع تقلید کرده‌اند. فاطمه حتی از بسیاری از مردان هم‌دوره خود مشهورتر بود و توانست



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

همه رقبای هنری‌اش را با خط زیبا و بی‌نظیرش کنار بزند. از نوشته‌های یاقوت حموی، ذهبی و دیگران می‌توان دریافت که فاطمه در خوشنویسی پیروانی داشته است.

شهده به واسطه فضل، دانش گسترده، هنر خوشنویسی و فن خطابه تحسین برانگیزش به لقب فخرالنساء معروف شده بود (حنبلی، ۱۰/۱۰). او در خوشنویسی به روش فاطمه بنت اقرع می‌نوشت و در زمان او در بغداد کسی مانند او به زیبایی کتابت نمی‌کرد. شهده نزدیک به صد سال عمر کرد و در اواخر عمر خط زیبایش به دلیل کهولت سن تغییرکرد (ابن خلکان، ٤٧٧/٢؛ یاقوت حموی، *معجم الادبا*، ١٤٢٣/٣-١٤٢٢؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ١٤٦/٤٠-١٤٧). او خط را از محمدبن عبدالملک فرا گرفت. شهده تأثیر و نقش زیادی در هنر خوشنویسی و خط داشت. او با توجه به عمرطولانی‌اش شاگردانی تربیت کرد که ادامه دهنده راه او بودند. معروفترین آنها یاقوت بن عبدالله ملکی (موصلی، متوفای ٦١٨) بود (ظیماء، ١٤٤) که یگانه عصر خود در خوشنویسی شد و به همین جهت مردم از مناطق مختلف به سوی او روانه شدند. یاقوت برای آنها کتاب‌ها و نسخه‌های بسیاری نوشت. او نیز شاگردان بسیاری در خوشنویسی تربیت کرد. یاقوت کاتب سلطان ملکشاه سلجوقی بود و به همین جهت به «ملکی» ملقب بود (ابن خلکان، ١١٩/٦؛ ابن تغری، ٢٨٣/٥). یاقوت کاتب، ادیب، زبان شناس و خطاطی مشهور بود. در آن زمان، کسی نبود که بتواند با خط نیکو با او رقابت کند. وی خط را به شیوه ابن بواب فرا گرفت. شهده نسخه‌های متعددی از کتاب *صحاح* جوهری را نوشت که هر نسخه در یک مجلد بود. او هر نسخه را به صد دینار می‌فروخت. یاقوت حموی (*معجم الادباء*، ٦/ ٢٨٠٥) درباره او می‌نویسد: من او را در سال ٦١٣ در موصل ملاقات کردم و او را در حالی که خیلی پیر بود، به صورت فردی با وقار، فاضل و هوشیار دیدم. من کتاب‌های زیادی را به خط او دیدم که بین مردم دست به دست می‌چرخید و بهایی گران بر آن می‌نهادند، در میان آنها چندین نسخه از *صحیح* جواهری و *مقام* حریری وجود داشت (نیز نک. ابن خلکان، ١١٩/٦؛ ابن تغری، ٢٨٣/٥). برخی از نویسندگان معاصر به اشتباه یاقوت مستعصمی را شاگرد شهده می‌دانند، در حالی که با توجه به سال وفات شهده هنوز ایشان به دنیا نیامده بود (روحانی، ٤٧٧).





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

زنان کاتب دربار خلافت عباسی نیز در ترویج و رونق خوشنویسی نقش داشتند و آن را به درباریان آموزش می‌دادند. چنان که سیده نسیم بغدادی کاتب دربار ناصرلدین الله عباسی بود و به خادم آنجا به نام تاج الدین رشیق خوشنویسی یاد داد تا این که او نیز به خط نیکو ممتاز شد و هر دو، نامه‌ها را برای خلیفه می‌نوشتند (ابن شاکر، ۱۱۵/۲-۱۱۶؛ ابن عبری، ۸۱-۸۲؛ کحاله، ۱۷۱/۲-۱۷۲؛ معروف، ۸-۹). برآمدن زنان خوشنویس و کاتب برجسته‌ای چون فاطمه و شهده نشان دهنده فضای آموزشی و فرهنگی مناسب بغداد در سده‌های ۵ تا ۷ هجری در برابر آموزش زنان است.

## نشر و گسترش شعر و ادب

برخی از زنان کاتب، دیوان شاعران بزرگ را می‌نوشتند و از این جهت به گسترش شعر و ادب کمک می‌کردند. ست الرضا بنت نصرالله بن مسعود بن نجیم معروف به بنت یقطین، الکاتبه و بنت استاد (متولد۵٤۰) از نویسندگان و خوشنویسان مشهور بغداد بود. او بسیار کتابت می‌کرد و خط نیکویی داشت و به روش ابن بواب می‌نوشت. نسخه‌ای به خط او در دیوان ابن حجاج وجود داشته است (صفدی، ۱۲۸/۱٤). ابن حجاج شاعری شیعی مذهب بود که دیوان او ده جلد داشت و ظاهراً نسخه‌ای از آن در بغداد موجود است. برخی از زنان کاتب، اهل شعر و ادب بودند. صفیه بنت عبدالرحمان (متوفای٦۲۰) یکی از خطاطان بزرگ و مشهور به کاتبه البغدادی، از زنان فاضل و از واعظان و ادیبان عصر خود به شمار می‌رفت. صفدی (۳۲۸/۱٦) که شعری در بحر طویل به طور خلاصه از او شنیده بود همواره این بیت را از او می‌خواند: «اذا ماخلت أرض من أحبتی/ فلا سأل وادیها و لا أخضر عودها» (نیز نک. سیوطی، ۵۷). فاطمه بنت اقرع غیر از حدیث و روایت از علوم دیگر نیز بهره داشت (اعتمادالسلطنه، ۳٤۲/۱). او اطلاع کاملی در شناخت تاریخ داشت و اشعار عربی زیادی را از حفظ داشت (خطیب عمری، ۳۷۲).

## حفظ، کتابت و تذهیب قرآن

اهمیت و تقدس *قرآن کریم* و به تبع آن کتابت *قرآن*، زنان کاتب را نیز به استنساخ



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

وکتابت قرآن، تذهیب و تفسیر در سطح وسیع متمایل کرده بود. زنان هنرمند دوره چهارم، توانمندی‌های خود را در زمینه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی از جمله هنر کتابت قرآن و تذهیب ثبت و ماندگار کرده بودند. یکی از آنان صالحه خاتون نقشلی بود که در بغداد رشد یافت و *قرآن* را حفظ و به مبادی علوم عقلی و نقلی احاطه پیدا کرد و نزد علامه عبدالسلام استاد الحضره القادریه درس آموخت. او خط بسیار زیبایی داشت و اصول آن را نزد خطاط سفیان وهبی بغدادی فراگرفته بود. قرآنی با خط ثلث و نسخ و به صورت تذهیب و به روش یاقوت مستعصمی نوشت و به الحضره القادریه وقف کرد (دروبی، ۲۷۰-۲۷۱؛ ظیماء، ۱٤۷).

شرف الاشرف (شریفه) و فاطمه از دیگر کاتبان و حافظان قرآن در قرن هفتم هجری و دختران دانشمند شیعی سید بن طاوس (متوفای٦٦٤) بودند. شریفه پس از تکمیل مقدمات علوم نزد پدرش به مقام اجتهاد رسید و اجازه روایت یافت. او محدثه، حافظ قرآن و عالم به تفسیر و تأویل بود. پدرش در کتاب *الامان* کراماتی را از او نقل می‌کند (ابن طاوس، ۱۲۸). فاطمه در منابع به عنوان زنی عالم، فاضل، کاتب، خوشنویس، مُودب و صاحب خط ملیح معرفی شده‌است (ابن کثیر، ۱۳٤/۱۲؛ یاقوت حموی، ۲۱۵۵/۵؛ ابن فوطی، ۲٤۵/۲؛ تتوی، ۲٤۸۵/٤؛ اعلمی حائری؛ ۳٤۲/۲). افندی در کتاب *ریاض العلماء* (٤۰۸/۵) آن دو را این‌گونه وصف می‌کند: «کانتا ایضاً فاضلتین عالمتین کاتبتین صالحتین». سید بن طاوس نیز آنان را حافظ و کاتب می‌خواند. زیرا شرف الاشرف در دوازده سالگی و فاطمه در کمتر از نه سالگی قرآن را حفظ کرده بودند. بدین جهت او به پاداش موفقیت آنها، کتاب قرآن را بر آنان وقف کرد (ابن طاوس، *سعدالسعود*، ۲٦-۲۷). ابن طاوس (*کشف المحجه*، ۱٤۲) قبل از بلوغ، برخی مسائل شرعی را برای آنها توضیح داد. چنان که او به پسرش محمد می‌نویسد: بدان که خواهرت شرف الاشرف را قبل از بلوغ فرا خواندم و به مقدار توان و آمادگی دستورات دینی را برایشان بیان کردم و به او خاطر نشان کردم که خداوند به واسطه بلوغ، چه شرافت و کرامتی به بنده‌اش می‌دهد تا در خدمتش باشد و این افتخار نصیب تو نیز شده‌است. این دو خواهر از طرف پدرشان با دو برادرشان محمد و علی اجازه روایت





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

کتاب *الامالی* شیخ طوسی را یافتند (افندی، ٤٠٨/٥). آنان از زنان دارای اجازه شیعه بودند و نقش زیادی در گسترش علوم اسلامی شیعه به ویژه قرآن، حدیث و فقه داشتند، تا آنجا که شیخ عباس قمی، فاطمه را جزو فواطم عشر می‌داند (قمی، ٩٩٦/٢).

## جایگاه زنان کاتب در دربار خلافت عباسی

زنان کاتب و خوشنویس به دربار خلافت عباسی و نزد وزیران هم راه یافتند و نامه‌ها، جواب‌ها و توقیعات آنها را می‌نوشتند و به گونه‌ای محرم اسرار خلیفه نیز بودند. سیده نسیم بغدادی یکی از زنان خطاط و با نفوذ دربار خلافت ناصرلدین الله عباسی بود. ناصر در آخر حکومتش به ضعف بینایی دچار شد و نمی‌توانست به نامه‌ها، کتاب‌ها و قراردادها نگاه کند یا اسرار را برای وزیرش بنویسد. به همین جهت سیده نسیم را به قصر دعوت کرد و از او خواست که نامه‌ها و جواب آنها را بنویسد؛ زیرا خطی شبیه به او داشت به گونه‌ای که قابل تشخیص از خط خلیفه نبود. خلیفه این موضوع را از وزیرش مخفی کرد. سیده نسیم به همراه خادم تاج الدین رشیق، نامه‌ها و جواب آنها را مطابق میل خود می‌نوشتند. پزشک محبوب دربار به نام امین الدوله سعد (صاعد) بن توما از این جریان خبر یافت. از این‌رو سیده نسیم با توجه به نفوذی که داشت به همراه خادم، تصمیم به قتل او گرفتند و او را در سال ٦٢٠ کشتند (ابن شاکر، ٦٧/١؛ ابن عبری، ٨١-٨٢؛ کحاله، ١٧١/٢-١٧٢؛ معروف، ٨-٩).

شهده نیز از دیگر زنان کاتب بود که در دربار عباسی نفوذ داشت. شوهرش ابوالحسن دُرَینی مشهور به ثقه‌الدوله انباری اهل ادب و شعر بود. او از نزدیکان مقتفی خلیفه عباسی و وکیل او محسوب می‌شد و همین پیوند موجب نزدیکی شُهده به دربار خلافت شده بود. از این‌رو برخی منابع از نفوذ و نزدیکی شُهده نزد خلیفه مقتفی حکایت دارند (یاقوت حموی، *معجم الادباء*، ١٤٢٣/٣؛ سمعانی، ٩٦/١؛ سیوطی، ٥٤). همین نزدیکی شهده به دربار موجب شد که همسرش مدرسه‌ای به نام ثقتیه برای شافعیان در بغداد بنا کند (عمادالدین کاتب، ١٤٤/١-١٤٥) و نیز رباطی به بنام رباط إبری برای صوفیان بسازد و اوقاف مناسبی برای آنها بر جای نهد. در این رباط صوفیان

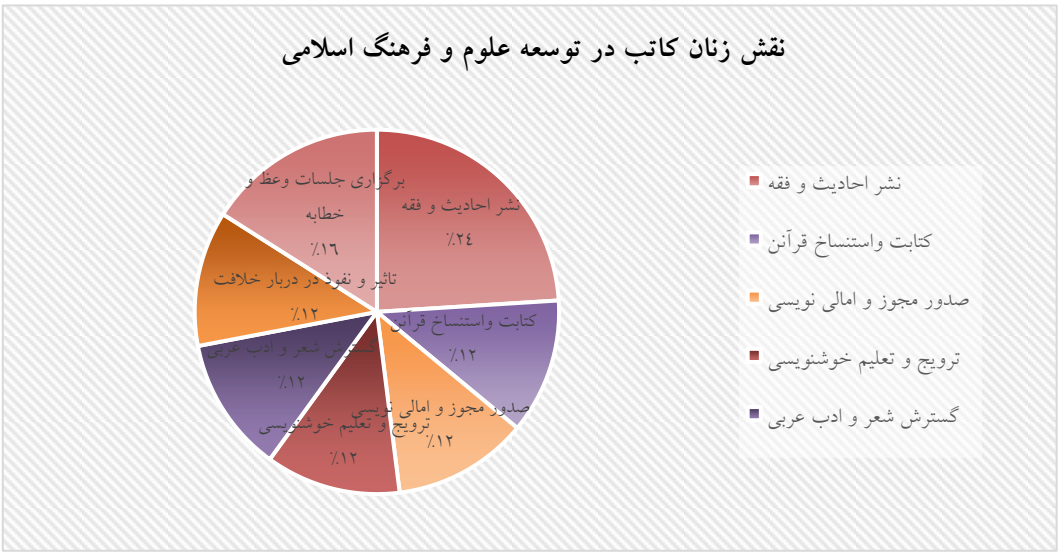


[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

و مشـایخ زیـادی سـاکن بودنـد و مجـالس درس و بحـث برپـا بـود (ذهبـی، *تـاریخ الاسلام*، ۱٤٦/٤۰–۱٤۷؛ ابن‌مستوفی، ۱۲۱/۲، ٤۳۷؛ صفدی، ۱۵۳/۲۲).

فاطمه بنت اقرع با توجه به خط بسیار زیبایش نزد مردم و وزرا محبوب بود و حتـی وزرا از او درخواست توقیع[۱] و نوشتن نامه می‌کردند، چنان که او برای وزیر عمیدالدوله ابوسعد، توقیعی نوشت که بعـد از مـرگ وزیـر از خزانـه او بیـرون آمـد (ابـن فـوطی، ۲٤۵/۲). او حتی به بلاد جبل نزد وزیر عمیدالملک بن کندری مسافرت کـرد و نامـه‌ای برای او نوشت که از خط زیبا و فصاحت معنی آن تعجب کرد و خوشش آمـد و هـزار دینار به او داد (حنبلی، ۱۰/۱۰؛ ابن جوزی، ۲۷۲/۱٦–۲۷۳؛ ذهبـی، *سـیر اعـلام النـبلاء*، ٤۸۱/۱۸؛ خطیب عمری، ۳۷۲).




۱. **خط توقیع** شیوه‌ای از خوشنویسی اسلامی است که در زمان خلافت مأمون، خلیفه عباسی ابـداع و در قـرن پـنجم هجری کامل شد. این خط اغلب در امضا به کار می‌رفته است و به همین دلیل به آن نام توقیع (به معنی امضـا) دادنـد. مورد استفاده این خط، بیشتر در نوشته‌های مهم حکومتی و دینی بوده‌است.





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

| اسم | شهرت | تخصص | شغل | تأثیرات علمی و سیاسی |
|---|---|---|---|---|
| خدیجه بنت محمد | شاهجانیه بغدادی | حدیث، وعظ، نوشتن امالی | کاتب، محدث، واعظ | تربیت محدثان و واعظان، ترویج امالی نویسی |
| فاطمه بنت حسن | بنت اَقرع | خط نسخ، حدیث و روایت، تاریخ، شعر | خوشنویس و محدث | تربیت خطاطان و محدثان مشهور، اولین زن خوشنویس ایرانی، مأمور نوشتن صلحنامه با روم و توقیع و نامه برای وزرا |
| سیده نسیم بغدادی | ست نسیم | خط | کاتب خلیفه ناصرلدین الله | نفوذ در دربار و تربیت خطاطان |
| ست الرضابنت نصرالله | الکاتبه، بنت یقطین، بنت الاستاذ | روایت، نوشتن دیوان شاعران | کاتب و خوشنویس | کمک به گسترش شعر و ادب عربی |
| صفیه بنت عبدالرحمان | کاتبه البغدادی | وعظ، ادب و شعر | خطاط، واعظ و ادیب و شاعر | برگزاری جلسات وعظ و ادب |
| شرف الاشرف بنت سیدبن طاوس | شریفه | کتابت، حفظ قرآن و تفسیر، دارای اجازه روایت از پدر | محدث، کاتب، حافظ و مفسر قرآن | ترویج علوم شیعی مانند فقه، حدیث و تفسیر |
| صالحه خاتون | نقشلی | قرآن، احاطه به مبادی علوم عقلی و نقلی | کاتب قرآن با خط ثلث و نسخ | استنساخ و تذهیب قرآن |
| عائشه بنت محمد | الواعظه | روایت و حدیث و وعظ | واعظ و کاتب | نوشتن احادیث و برگزاری جلسات وعظ برای زنان |
| شهده بنت احمد | فخرالنساء، مُسنَده یا مُنشده العراق | حدیث و روایت، فقه، خوشنویسی | خوشنویس و محدث | تربیت شاگردان بسیار در زمینه حدیث، خطابه و خوشنویسی- ساخت رباط-نفوذ به دربار خلیفه مقتفی |



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

## نتیجه

زنان کاتب در بغداد عصر چهارم عباسی (٤٤٨-٦٥٦) از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده‌اند. آنها به علوم عقلی و نقلی آن روز تسلط داشتند. برخی از آنها حتی در دربار قدرت و نفوذ فراوان یافتند، به‌گونه‌ای که به مناصب مهمی چون کاتب دربار خلافت نیز برگزیده شدند. حضور آنان در این عصر به اقدامات فرهنگی و علمی مانند امالی نویسی، صدور مجوز، کتابت قرآن و تفسیر، نشر شعر و ادب کمک شایانی کرد. بعضی از زنان کاتب دارای اجازه نقل حدیث و روایت از کتب معتبر شیعه بودند و در ترویج و گسترش علوم اسلامی شیعی مانند حدیث، فقه و تفسیر نقش مهمی داشتند. زنان خود را محدود به خط و کتابت نکردند، بلکه به عنوان محدث، واعظ، ادیب و فقیه نیز مشغول بودند. البته بیشتر محدث و واعظ بودند و مجالس درس و بحث داشتند. آنان شاگردان بزرگی در این زمینه تربیت کردند که تا مدت‌ها ادامه دهنده راه آنها بودند. برخی از آنها در زمینه هنر خوشنویسی بسیار خوش درخشیدند و یگانه دوران خود شدند به گونه‌ای که مردان رقیب خود را نیز از میدان به درکردند. نکته مهم تأثیر و نفوذ این زنان بر دانشمندان مرد در زمینه‌های گوناگون علمی است به طوری که بسیاری از علما و مشاهیر در محضر درس آنان حضور یافته و بهره علمی بردند. برخی از مردان نیز از آنها در زمینه حدیث اجازه نقل گرفتند. بیشتر منابع، این زنان را فاضل، پارسا، راستگو و نیکوکار شمرده‌اند. به همین جهت زنان کاتب در دوره چهارم خلافت عباسی نقش به‌سزایی در توسعه علوم و گسترش فرهنگ و هنراسلامی داشتند. زنان آن دوره در کارهای عام المنفعه برای پیشبرد علوم دینی و کمک به علما نیز نقش داشتند.





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

## منابع


– ابراهیم آوا، تحفه، «نخستین زن خوشنویس مسلمان ایرانی»، نشریه کیهان فرهنگی، شماره ۱۶۱، اسفند۱۳۷۸.

– ابن ابی اصیبعه، احمدبن قاسم، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، تحقیق عامرنجار، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۲۰۰۱م.

– ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ق.

– ـــــــــــــــــــ، اللباب فی تهذیب الانساب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴/۱۹۹۴.

– ابن تغری بردی، یوسف، النجوم الزاهرة فی ملوك مصر و القاهره، قاهره، وزاره الثقافه و الارشاد القومی، الموسسه المصریه العامه، ۱۳۹۲ق.

– ابن جوزی، أبوالفرج عبد الرحمن، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۲/۱۴۱۲.

– ابن حجر عسقلانی، احمدبن علی، المعجم المفهرس، تحقیق محمد شکور بن محمود میادینی، بیروت، موسسه الرساله، ۱۹۹۸/۱۴۱۸.

– ابن خلکان، احمد بن محمد، وفیات الاعیان، تحقیق احسان عباس، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۴ق.

– ابن الدبیثی، محمد بن سعید، ذیل تاریخ مدینه السلام، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۷ق/ ۲۰۰۶م.

– ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، ذیل طبقات الحنابله، تصحیح محمدحامدالفقی، قاهره، مطبعه سنه المحمدیه، ۱۳۷۲ق/۱۹۵۲م.

– ابن شاکر کتبی، محمد، فوات الوفیات و الذیل علیها، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارصادر، بی‌تا.

– ابن طاوس، علی بن موسی، الامان من اخطار الاسفار و الازمان، قم، موسسه آل بیت لِاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.

– ـــــــــــــــــــ، سعد السعود، تحقیق محمد کاظم کتبی، قم، دارالذخائر، بی‌تا.

– ـــــــــــــــــــ، کشف المحجه لثمره المهجه، تحقیق محمد حسون، مرکز النشر قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۲ق.





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]



[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

– ابن عبری، غریغوریوس بن هارون، مخطوطه تاریخ الأزمنه، توفیق حافظ و شادیه و محمد سباعی، قاهره، المرکز القومی للترجمه، ۲۰۰۷م.
– ابن عدیم، عمر بن احمد، بغیه الطلب فی تاریخ حلب، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
– ابن فرات، محمدبن عبدالرحیم، تاریخ ابن فرات، تحقیق قسطنطین زریق وحسن محمد الشماع، بیروت، مکتبه الموید، ۱۹۷۰م.
– ابن فضل الله عمری، احمدبن یحیی، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، تحقیق بسام محمدبارود و دیگران، ابوظبی، المجمع الثقافی، ۱۴۲۳-۱۴۲۴.
– ابن فوطی،کمال الدین ابی الفضل عبدالرزاق، مجمع الاداب فی معجم الالقاب، تحقیق محمدالکاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴/۱۴۱۶ش.
– ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ۱۹۷۸/۱۳۹۸.
– ابن ماکولا، علی بن هبه الله، الاکمال فی رفع الارتیاب عن الموتلف و المختلف، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی‌تا.
– ابن مستوفی، مبارک بن احمد، تاریخ إربل، تحقیق سامی بن خماس صقار، بغداد، المکتبة الوطنیه، ۱۹۸۰م.
– اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳-۱۳۶۴ش.
– اعلمی حائری، محمدحسین، تراجم اعلام النساء، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۷/۱۴۰۷.
– افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق احمد حسینی اشکوری و محمود مرعشی، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ق.
– تتوی، احمدبن نصرالله، تاریخ الفی(تاریخ هزار ساله اسلام)، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
– جندی، محمدسلیم، تاریخ معره النعمان، تحقیق عمررضاکحاله، دمشق، منشورات وزاره الثقافه، ۱۹۹۴م.





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

– حسینی، احمد بن محمد، التکمله لوفیات النقله، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸.

– حلمی، احمدکمال الدین، دولت سلجوقیان، ترجمه عبدالله طاهری ناصری، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ش.

– حنبلی، ابن عماد شهاب الدین، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، تحقیق الأرناؤوط، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، ۱۹۸۶/۱۴۰۶.

– خطیب عمری، یاسین، الروضه الفیحاء فی تواریخ النساء، تحقیق حسام عبدالحکیم، بیروت، موسسه الکتب الثقافه، ۱۴۲۰/۲۰۰۰.

– خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، أو، مدینة السلام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.

– دروبی، ابراهیم، البغداد یوم اخبارهم و مجالسهم، بغداد، طبع فی مطبع الرابطه، ۱۹۵۸/۱۳۷۷.

– ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۹۹۳/۱۴۱۳.

– ـــــــــــــــــــ، دول الاسلام، تحقیق محمود ارناووط و حسن اسماعیل مروه، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۹م.

– ـــــــــــــــــــ، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنووط، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۴/۱۹۹۴.

– ـــــــــــــــــــ، العبر فی خبر من غبر، تحقیق ابوهاجر محمد زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

– ـــــــــــــــــــ، العقدالثمین فی تراجم النحویین، تحقیق یحیی مراد، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۲۵/۲۰۰۴.

– ـــــــــــــــــــ، المختصر المحتاج الیه، تحقیق دکتور مصطفی جواد، بغداد، مطبعه المجمع العلمی العراقی، ۱۹۶۳/۱۳۸۳م.

– روحانی، بابامردوخ، تاریخ مشاهیر کرد، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۶ش.

– زرکلی، خیر الدین، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹م.



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

– سبکی، عبدالوهاب بن علی، طبقات الشافعیه الکبری، تحقیق عبدالفتاح محمد حلو و محمود محمد الطناحی، قاهره، دار الاحیاء الکتب العربیه، بی‌تا.
– سخاوی، محمدبن عبدالرحمن، البلدانیات، تحقیق حسان بن محمدقطان، ریاض، دارالعطاء، ۱۴۲۲/۲۰۰۲.
– سعید، خیرالله، موسوعه الوراقه و الوراقین، بیروت، موسسه الانتشار العربی، ۲۰۱۱م.
– سمعانی، أبوسعید، الأنساب، تحقیق عبد الرحمن بن یحیی المعلمی، حیدر آباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیه، ۱۹۶۲/۱۳۸۲.
– سیوطی، جلال الدین، نزهه الجلساء فی الاشعار النساء، قاهره، مکتبه القرآن، بی‌تا.
– صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، تحقیق ریتر هلموت، بیروت، دار النشر فرانز شتاینر، ۱۳۸۱-۱۴۰۱ق.
– طباطبایی، عبدالعزیز، معجم اعلام الشیعه، قم، موسسه آل بیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
– ظیماء، محمدعباس، «نساء خطاطات»، بغداد، الموسسه العامه للاثار و التراث، مجله المورد العراقیه، عدد الخاص بالخط العربی، ۱۹۸۶/۱۴۰۷، رقم۴، المجلد ۱۵.
– عمادالدین کاتب، محمد بن محمد، خریده القصر و جریده العصر،تحقیق محمدبهجه اثری و جمیل سعید، بغداد، المجمع العلمی العراقی، ۱۳۷۵.
– غسانی، اسماعیل بن عباس، العسجد المسبوک و الجوهر المحکوک فی الطبقات الخلفاء و الملوک، تحقیق شاکر محمود عبدالمنعم، بغداد، دار البیان، ۱۹۷۵/۱۳۹۵.
– غنی، قاسم، تاریخ التصوف فی الاسلام، ترجمه صادق نشأت، بررسی توسط احمد ناجی القیسی و محمد مصطفی حلمی، مکتبه النهضه المصریه، ۱۹۷۰/۱۲۹۰.
– فوازعاملی، زینب بنت علی، معجم أعلام النساء، تحقیق منی محمدزیادخراط، بیروت، موسسه الریان وللطباعه و النشر والتوزیع، ۱۴۲۱/۲۰۰۰.
– قمی، عباس، الفوائد الرضویه فی احوال علماءالمذهب الجعفریه، تحقیق باقر بیدهندی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۵ق.
– کحاله، عمر رضا، اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، موسسه الرساله، بیروت، بی‌تا.
– گنجی، فاطمه، «شهده بنت ابی نصر»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، ناشر بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۹۹ش.





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]

– معروف، ناجی، عالمات بغدادیات، بغداد، دارالجمهوریه، ۱۹۶۷/۱۳۸۷.
– یافعی، عبدالله بن اسعد، مراه الجنان و عبره الییقظان فی معرفه ما یغییر من الحوادث الزمان، تحقیق خلیل منصور، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷/۱۴۱۷.
– یاقوت حموی الرومی، معجم الادباء، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۳م.
– ـــــــــــــــــــ، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵-۱۹۹۶م.



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22 ]

[ DOI: 10.52547/isihistory.1.42.45 ]